

نهادهای فرهنگی در حکومت رضا شاه

ویدا همراز

سالهای ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ را می‌توان مهمترین و بحرانی‌ترین سالهای تاریخ معاصر ایران دانست زیرا در این دوره تلاش گسترده‌ای برای دگرگون ساختن نهادهای فرهنگی و اجتماعی کشور انجام شد تا، در نهایت، سلطه سیاسی حکومت پهلوی را تثبیت نماید.

استقرار دیکتاتوری، تشویق ناسیونالیسم باستانگرایانه، دوری جستن از ارزشهای اسلامی و حمایت از فرهنگ غربی، اصلی‌ترین مظاهر سیاست فرهنگی حکومت رضا شاه بود که با توسل به ابزارها و وسایل مختلف در جامعه تحقق یافت. در این راستا قوانین مختلف تدوین و سازمانها و مراکز متعددی تأسیس شد تا روند دستیابی به این هدفها را سرعت بخشد.

آنچه در این مقاله می‌خوانید بخشی از هدفهای فرهنگی و شیوه‌های نیل به آنهاست که در دوره حکومت رضا شاه به اجرا درآمد.

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، که به قدرت گرفتن یکی از افراد گمنام بریگاد قزاق منجر شد، سرآغاز سلسله تحولات و وقایع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران بود که به مرور زمامداری رضا خان را تحقق بخشید.

محور اصلی این تحولات، تثبیت نظام مطلقه سیاسی، ترویج ناسیونالیسم باستانگرایانه افراطی، با تأکید بر «یکتایی» نژاد «آریایی»، و همزمان با آن تجددطلبی به شیوه اروپایی بود. «اصلاحات» سیاسی و اجتماعی آن دوران در راستای تحقق این سیاستها بود.

تجددطلبی، که اساس سیاست فرهنگی رضا شاه را تشکیل می‌داد، با پذیرفتن شیوه زندگی اروپایی در ایران، که کم و بیش از دوره قاجاریه شروع شده بود، همراه بود. به طور کلی این سیاست را در چند مرحله می‌توان بازشناخت:

۱. وضع قوانین غیرشرعی و تجدید سازمان عدلیه؛

۲. متحدالشکل کردن لباس و رواج پوشاک اروپایی؛

۳. کشف حجاب از بانوان؛

۴. ایجاد سازمان آموزشی به شیوه نوین.

از ویژگیهای سازمان آموزشی جدید تشکیل فرهنگستان زبان فارسی، تأسیس سازمان پرورش افکار، تغییر تقویم هجری، تشویق روحیه ناسیونالیستی در کشور و تجلیل افراطی از تمدن باستانی ایران بود.

تضعیف قوانین شرعی و حمله به ساختار حقوق اسلامی و وضع قوانین عرفی از سال ۱۳۰۷ش. آغاز شد. در کابینه مستوفی‌الممالک (۱۳۰۵) علی‌اکبر داور به عنوان وزیر عدلیه برگزیده شد و به دستور رضا شاه با صدور اعلامیه‌ای محاکم و ادارات وزارت عدلیه را منحل اعلام کرد. سپس ماده واحده‌ای را در مجلس به تصویب رساند که به موجب آن وزیر عدلیه موظف شد طرح جدید وزارت دادگستری را تهیه و به مجلس تقدیم کند. قضاات جدید از اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ شروع به کار کردند. سرانجام، داور در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ جلد اول قانون مدنی جدید را به مجلس ارائه کرد و مجلس بلافاصله آن را تصویب نمود. مواد عمومی این قانون، ترجمه مستقیم از مواد مشابه در حقوق فرانسه بود اما مواد مربوط به احوال شخصیه بر اساس احکام اسلامی تدوین شده بود. تغییر لباس و رواج کلاه پهلوی، و سپس شاپو، گام دیگری بود که رضا خان برای ترویج فرهنگ غرب برداشت. این عمل با مخالفت شدید علما روبرو گردید به طوری که اعتراض مردم مشهد به تغییر لباس و استفاده از کلاه پهلوی و شاپو به قیامی گسترده منجر شد و نیروهای نظامی برای سرکوب اعتراض‌کنندگان به داخل مسجد گوهرشاد حمله کردند و جمعی از مردم را به قتل رساندند.

کشف حجاب به دلیل سیطره فرهنگ اسلامی به آسانی میسر نمی‌شد. به همین دلیل دولت وقت با تشکیل مجامع و کانونهای مختلف زمینه چنین اقدامی را فراهم کرد.

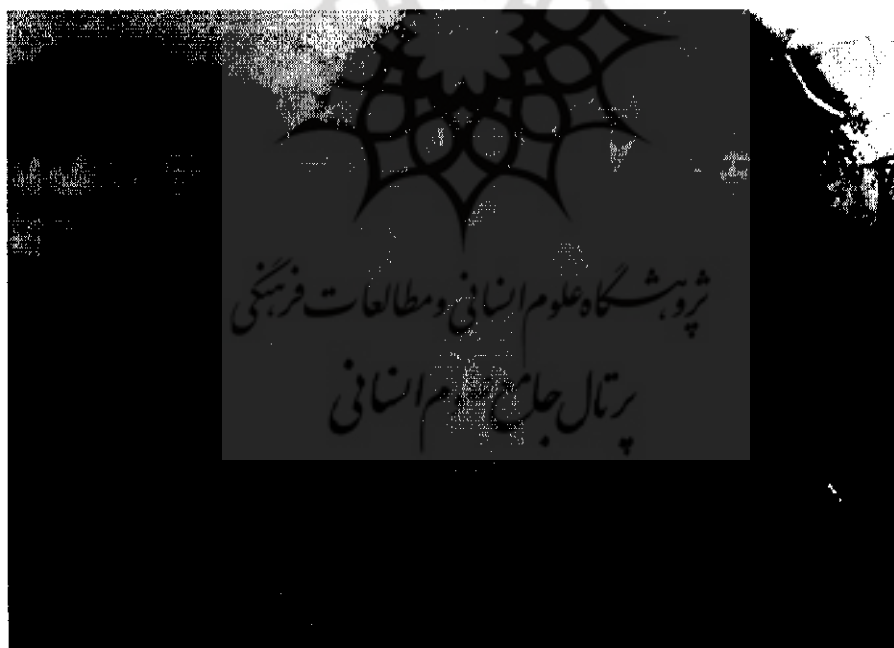
در مهر ۱۳۱۳، دولت با صدور اعلامیه‌ای مردم را برای پذیرش آموزگاران بی‌حجاب زن در مدارس دخترانه آماده کرد. مأموران انتظامی دستور محرمانه‌ای دریافت کردند مبنی بر اینکه از زنان بی‌حجاب در معابر و خیابانها حمایت کنند. بازرسان زن نیز از سوی وزارت فرهنگ مأموریت یافتند که به مدارس دخترانه رفته و به تدریج شاگردان را آماده ترک حجاب کنند.^۱

در خرداد ۱۳۱۴، کانون بانوان تحت نظارت شمس پهلوی تأسیس شد و دختران دانش‌آموز تهرانی ضمن شرکت در مراسم رسمی جشن پیشاهنگی با لباسهای ویژه رژه

۱. بدرالملوک بامداد، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید. تهران: ۱۳۴۷، ج ۲، ص ۹۳؛ پری شیخ‌الاسلامی، زنان روزنامه‌نگاران و اندیشمندان ایران. تهران: ۱۳۵۱.

رفتند. در این میان، جمعیت نسوان وطنخواه و کانون بانوان نقش مهمی در اجرای برنامه‌های رضا خان ایفا کردند.

جمعیت نسوان وطنخواه را محترم اسکندری در سال ۱۳۰۲ و با کمکهای محرمانه دولت تشکیل داد. محترم اسکندری دختر شاهزاده محمدعلی میرزا اسکندری بود. محمدعلی میرزا همراه با سلیمان میرزا و یحیی میرزا اسکندری در سال ۱۳۲۵ق. از اعضای فعال جامع آدمیت بودند و در اواخر این سال در انحلال این سازمان مشارکت داشتند. سپس، آنان انجمن حقوق را تشکیل دادند که نشریه‌ای به نام مجله حقوق منتشر می‌نمود. در این مجله مطالبی درباره زنان ایرانی و موقعیت اجتماعی آنان چاپ می‌شد. انجمن حقوق پس از چندی تعطیل شد و مدتی بعد محترم اسکندری همراه با چند نفر از بانوان، که در روزنامه‌های آن عصر نظیر عالم نسوان، شکوفه و زبان زنان مقالاتی درباره «آزادی زنان» می‌نگاشتند، بنیاد اولیه جمعیت نسوان وطنخواه را نهادند.



از میان نخستین اعضای این جمعیت می‌توان از نورالهدی منگنه، فخرآفاق پارسا، فخرعظمی ارغون (عادل)، مستوره افشار و صفیه اسکندری نام برد. هدف این جمعیت، طبق اساسنامه آن، عبارت بود از، حفظ شعائر و قوانین اسلام و تهذیب و تربیت دختران، ترویج صنایع وطنی، باسواد کردن زنان، نگهداری از دختران بی‌سرپرست، تأسیس مریضخانه برای زنان فقیر و تشکیل هیئت تعاونی به منظور تکمیل صنایع وطنی. ولی در واقع، هدف جمعیت اجرای سیاست فرهنگی حکومت رضاخان بود.

این جمعیت مجله‌ای به نام نسوان وطنخواه منتشر کرد و اعضای آن هر جا که عده‌ای از زنان و دختران حضور داشتند، حتی در میهمانیهای خانوادگی و جشنهای مدارس، به سخنرانی می‌پرداختند. یکی از اقدامات این جمعیت، اجرای اولین نمایش ویژه بانوان بود. این نمایش در ماه رمضان سال ۱۳۰۳ ش. در منزل نورالهدی منگنه، یکی از اعضای جمعیت، برگزار شد و بانو وارثو طریان آن را هدایت می‌کرد. این نمایش مدتی بعد در محل تئاتر سیروس به اجرا درآمد. نویسنده این نمایشنامه، که ماهپاره نام داشت، علی‌اکبر سیاسی بود که بعدها به ریاست دانشگاه تهران رسید.

در جلسات سخنرانی جمعیت نسوان وطنخواه برخی از رجال فرهنگی و سیاسی آن دوره نیز شرکت می‌کردند و به ایراد سخنرانی می‌پرداختند که از آن میان می‌توان ابراهیم خواجه‌نوری، دبیر اعظم بهرامی، سعید نفیسی و دکتر رضازاده شفق را نام برد. جمعیت نسوان وطنخواه پس از مرگ محترم اسکندری (۱۳۰۳ ش.) به فعالیت خود ادامه داد. نورالهدی منگنه و مستوره افشار از فعالان این جمعیت در دوره سلطنت رضا شاه به‌شمار می‌روند.

اگرچه جمعیت نسوان وطنخواه از حمایت محرمانه حکومت وقت برخوردار بود اما برای تسریع اهداف دولت در سال ۱۳۱۴ جمعیت دیگری نیز تشکیل شد که رسماً به وسیله وزارت معارف وقت اداره می‌شد. در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴، به دستور رضاشاه، علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف وقت، عده‌ای از زنان فرهنگی را به محل دارالمعلمات در کوچه ظهیرالاسلام فراخواند. پس از حضور این بانوان در دارالمعلمات، علی‌اصغر حکمت اعلام کرد که آنان رسماً موظف هستند جمعیتی تشکیل بدهند، اساسنامه آن را به تأیید وزیر معارف برسانند و، با حمایت دولت، پیشگام نهضت زنان ایران گردند. این جلسات ادامه یافت و نام کانون بانوان بر آن نهاده شد. اساسنامه این کانون به شرح زیر بود: کانون بانوان ایران به ریاست عالیّه والا حضرت شمس بهلوی و معاضدت و مراقبت وزارت معارف برای اجرای مقاصد زیر تأسیس می‌شود:

۱. تربیت فکری و اخلاقی بانوان و تعلیم خانه‌داری و پرورش طفل مطابق

قواعد علمی به وسیله خطابه‌ها، نشریات، کلاسهای اکابر و غیره.

۲. تشویق به ورزشهای مناسب برای تربیت جسمانی با رعایت اصول صحی.
۳. ایجاد مؤسسات خیریه برای امداد به مادران بی‌بضاعت و اطفال بی‌سرپرست.
۴. ترغیب به سادگی در زندگی و استعمال امتعه وطنی.
۵. این قانون برطبق ۵۸۷ قانون تجارت شخصیت حقوقی دارد و رئیس آن نماینده قانون خواهد بود.^۱

ریاست قانون به هاجر تربیت واگذار شد و فعالیت آن، مطابق اساسنامه، با ترتیب دادن مجالس سخنرانی، نمایش و باشگاه ورزشی آغاز شد. زنان عضو این جمعیت از نخستین کسانی بودند که، پیش از ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴، بدون چادر در معابر عمومی حرکت می‌کردند و پلیس دستور محرمانه دریافت کرده بود که از آنان حمایت کند.^۲ انتشار خبر فعالیت این قانون واکنشهایی برانگیخت خاصه آنکه در فروردین سال ۱۳۱۴ دختران دانش‌آموز مدرسه مهرآیین شیراز را بدون حجاب در مراسم جشن حاضر کردند.^۳ این مدرسه به وسیله میسیونرهای انگلیسی وابسته به انجمن میسیونری . . . در شیراز دایر شده بود و یکی از مراکز مهم تبلیغی آنان در ایران به شمار می‌رفت. اهمیت فعالیت قانون بانوان هنگامی مشخص می‌شود که بدانیم فقط هشت ماه پس از آن، یعنی در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴، فرمان کشف حجاب صادر شد. قانون بانوان پس از این تاریخ هم به فعالیت خود ادامه داد و از سال ۱۳۱۶، که صدیقه دولت‌آبادی ریاست آن را برعهده گرفت و با انتشار روزنامه زبان زنان به ترویج مرام خود پرداخت، وارد مرحله‌ای جدید شد.

در اسفند ماه سال ۱۳۰۰ قانون شورای عالی معارف به تصویب مجلس رسید و به موجب آن کلیه امور اجرایی مدارس، نظیر برگزاری امتحانات و تهیه برنامه‌های درسی و آموزشی و تشخیص صلاحیت علمی و اخلاقی معلمان، به شورای عالی معارف واگذار شد.^۴

۱. بامداد، همان مأخذ، منبع ص ۸۹ . ۲. همان مأخذ، ص ۹۲.

۳. رضا شعبانی و غلامحسین زرگری‌نژاد. *واقعه کشف حجاب، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان*. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۲۳.

۴. حسن امداد. *تاریخ آموزش و پرورش*. بی‌جایی تا، ص ۳۳۱؛ بنگرید به: گزارش مستند اقدامات فرهنگ نوین. وزارت آموزش و پرورش، بی‌تا؛ عیسی صدیق. *تاریخ فرهنگ ایران*. تهران: دهخدا، صص ۴۷۲ - ۴۸۲.

یکی از وظایف شورای عالی معارف بررسی و رسیدگی به موقوفات مذهبی و نظارت بر نحوه استفاده از عواید آنها برای تأسیس مدارس دولتی بود. بسیاری از این موقوفات، که به وسیله افراد نیکوکار برای حمایت از مدارس دینی و ترویج شریعت اسلام و امور خیریه اختصاص یافته بود، در ابتدای سلطنت رضا شاه به تصرف دولت در آمد و نظارت بر عواید این موقوفات به شورای عالی معارف واگذار شد. در سال ۱۳۰۵ وزارت معارف بر آن شد تا تعلیمات اجباری عمومی را در سطح کشور اجرا کند، از این رو لایحه‌ای تهیه کرد و آن را به مجلس ارائه داد. از آنجا که برای اجرای این طرح لازم بود مدارس زیادی در نقاط مختلف کشور ساخته شود و بودجه‌ای برای این کار موجود نبود، مجلس نیم درصد از عواید حاصل از مالیات اراضی را به تحصیلات ابتدایی اختصاص داد. پس از آن به توصیه شورای عالی معارف مقرر شد نظام آموزش و پرورش کشورهای اروپایی بررسی شود و از میان آنها الگویی برای نظام آموزشی کشور انتخاب گردد. سرانجام سیستم آموزشی مدارس فرانسه به عنوان الگوی مدارس ایرانی پذیرفته شد. به موجب این نظام، دانش‌آموزان باید دو دوره ۶ ساله ابتدایی و دبیرستان را بگذرانند و پس از پایان این دوره‌ها گواهینامه پایان تحصیلات از اداره معارف دریافت کنند. برای تهیه و انتشار کتابهای درسی اداره‌ای به نام اداره کل نگارش به وجود آمد تا ضمن ایجاد هماهنگی در کتابهای درسی بر مطالب مندرج در آن نیز نظارت کند.

نظام آموزشی فاقد کارایی لازم بود و نیازهای جامعه ایرانی را تأمین نمی‌کرد. دروس ارائه شده بسیار سنگین و تعداد آن زیاد بود و دانش‌آموزان موظف بودند مطالب متعدد را حفظ کنند.

یکی از محورهای اساسی سیاست فرهنگی حکومت رضاشاه گرایش به ایران باستان به بهای دوری از میراث اسلامی بود. از اقداماتی که در این راستا انجام شد تشکیل فرهنگستان زبان فارسی بود. سیاستگزاران حکومت پهلوی با هدف به فراموشی سپردن میراث غنی ایران اسلامی قصد داشتند بسیاری از واژه‌هایی را که طی قرون متمادی در زبان فارسی تداول یافته و مردم عادی یا شاعران و نویسندگان به کار می‌بردند کنار گذاشته و الفاظ جدیدی رواج دهند. از این رو، فرهنگستان زبان فارسی تشکیل شد تا ظاهراً زبان فارسی را از لغات و واژه‌های بیگانه بپیراید. ثمره اقدامات فرهنگستان، که با شتابزدگی بسیار انجام می‌شد، پیشنهاد واژه‌های جدیدی بود که برای مردم بسیار نامأنوس می‌نمود. دستگاههای اداری براساس دستورالعملهای دولتی وظیفه داشتند در مکاتبات رسمی از این واژه‌ها استفاده کنند.

در سال ۱۳۱۴ فروغی، نخست‌وزیر وقت، مأمور شد مقدمات تأسیس فرهنگستان را

فراهم کند. وی در اردیبهشت ماه همان سال تصویبنامه‌ای را در هیئت وزیران مطرح ساخت که به موجب آن مقرر شد کمیسیونی با نظارت علی اصغر حکمت، وزیر فرهنگ، مقدمات آن را فراهم نماید. اساسنامه فرهنگستان به وسیله فروغی تهیه شد و این سازمان کار خود را در ساختمانی واقع در خیابان لاله‌زار آغاز کرد. نخستین اعضای فرهنگستان عبارت بودند از حسن وثوق، حسین سمیعی، حسن اسفندیاری، رضازاده شفق، محمود حساسی، عیسی صدیق، علی اکبر دهخدا، سعید نفیسی، عبدالعظیم قریب، محمدتقی بهار و رشید یاسمی. در ۱۲ خرداد ماه ۱۳۱۴ اولین جلسه رسمی فرهنگستان برگزار گردید.

وظایف مقرر در اساسنامه فرهنگستان به ساختن واژه‌های جدید محدود نمی‌شد بلکه براساس ماده نهم اساسنامه فرهنگستان موظف بود برای «هدایت افکار جامعه» اقدامات لازم را انجام دهد.

این اقدام برای حکومت پهلوی تا بدانجا اهمیت داشت که چندی بعد به ایجاد سازمان جدیدی مختص آن دست زد؛ سازمان پرورش افکار. ملک‌الشعرا بهار «عهد پرورش افکار» را «خونبارترین ساعات عصر پهلوی» می‌داند.^۱

سازمان پرورش افکار در دیماه ۱۳۱۷ با نظارت احمد متین‌دفتری، وزیر دادگستری، و با همکاری اسماعیل مرآت وزیر فرهنگ، مظفر اعلم، رشید یاسمی، بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر قاسم غنی، دکتر شایگان، امیر خسروی، صدیق اعلم و دکتر ادیب تشکیل شد. سازمان پرورش افکار دارای شش کمیسیون بود که در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کرد. در صورت لزوم از صاحب‌نظران دعوت می‌شد تا در جلسات کمیسیونها شرکت کنند و نظریات خود را ابراز دارند. کمیسیونهای ششگانه سازمان پرورش افکار عبارت بود از:

- ۱- کمیسیون سخنرانی به ریاست مظفر اعلم وزیر امور خارجه؛
- ۲- کمیسیون رادیو به ریاست امیر خسروی وزیر دارائی؛
- ۳- کمیسیون کتابهای درسی به ریاست غلامحسین رهنما؛
- ۴- کمیسیون نمایش به ریاست سید علی‌خان نصر؛
- ۵- کمیسیون موسیقی به ریاست سرگرد غلامحسین مین‌باشیان؛
- ۶- کمیسیون مطبوعات به ریاست محمد حجازی؛

جلسه‌های سخنرانی سازمان پرورش افکار و برنامه‌های تأثیر و موسیقی آن در باغ

۱. ملک‌الشعرا بهار. تاریخ مختصر احزاب سیاسی در ایران. تهران: امیرکبیر، ۴، ج ۱، دیباچه، ص ید.

فردوس تجریش تشکیل می‌شد و افرادی چون حسن وثوق، احمد متین‌دفتری و مهدیقلی هدایت به سخنرانی دربارهٔ مباحث اجتماعی و ادبی و تاریخی می‌پرداختند. حضور فرهنگیان در جلسات سازمان پرورش افکار اجباری بود. سعید نفیسی دربارهٔ وظایف سازمان پرورش افکار و هدف از تأسیس آن می‌نویسد:

وظیفه مهم دیگر این راهنمایان این است که افکار و آمال و آرزوهای افراد را چنان یکسان کنند که اتحاد و اتفاق کلمه واقعی در میان ایشان فراهم شود تا در میان افراد تحصیلکرده به هیچ وجه اندک اختلاف و دوگانگی از حیث افکار و آمال و آرزوهای انسانی پیش نیاید.^۱

اساسنامهٔ سازمان پرورش افکار، که در دی ماه ۱۳۱۷ در هیئت وزیران تصویب شد، وظایف این سازمان و تقسیمات فرعی آن را بدین ترتیب بیان کرده است:

۱. برای پرورش و راهنمایی افکار عمومی سازمان مخصوصی به نام سازمان پرورش افکار تأسیس می‌شود.

۲. سازمان پرورش افکار دارای یک هیئت مرکزی در پایتخت و شعب در شهرستانها است.

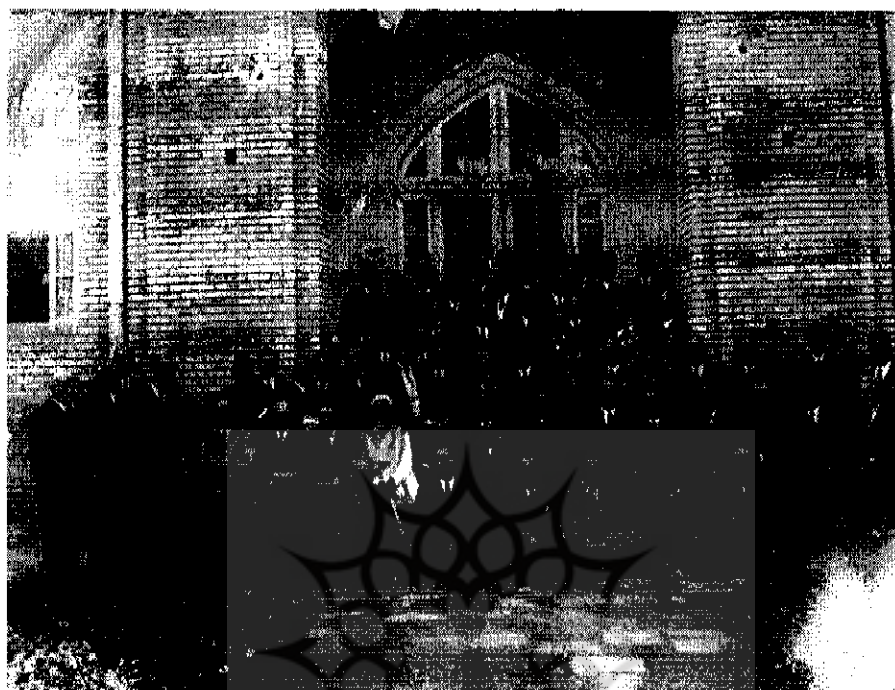
۳. سازمان پرورش افکار برای انجام وظایف خود از وسایل ذیل استفاده می‌کند: روزنامه‌ها، رساله‌ها، کتب کلاسیک، کتب عام‌المنفعه، سخنرانی عمومی، نمایش، سینما، رادیو، موسیقی و سرودهای میهنی.

۴. هیئت مرکزی دارای کمیسیونهای فرعی است شامل کمیسیون مطبوعات، کمیسیون کتب کلاسیک، کمیسیون سخنرانی، کمیسیون نمایشها، کمیسیون رادیو، کمیسیون موسیقی. رؤسای این کمیسیونها بنا بر پیشنهاد وزارت فرهنگ از طرف دولت انتخاب می‌شوند و اعضای کمیسیونها با جلب نظر هیئت رئیسه از طرف هیئت مرکزی تعیین می‌شوند.

برای گسترش فعالیت این سازمان در شهرستانها مقرر گردید که وزارت فرهنگ آموزشگاههایی دایر کرده کلیه آموزگاران و دبیران را موظف کند تا در این آموزشگاهها شرکت کنند و روش پرورش افکار دانش‌آموزان و دانشجویان را فراگیرند. شرکت در این کلاسها برای فرهنگیان اجباری بود و برنامهٔ این آموزشگاهها را هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار تعیین می‌کرد.

در هر شهرستان شعبه‌ای از سازمان پرورش افکار ایجاد شد که با نظارت استاندار یا

۱. سعید نفیسی، تاریخ معاصر ایران از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰، تهران: فروغی، ۱۳۴۵، ص ۱۸.



۱- عیسی صدیق ۲- عباس اقبال آشتیانی ۳- ماسه ۴- حسین پیرنیا ۵- عبدالحسین شیانی ۶- محمدعلی فروغی ۷- حسن اسفندیاری ۸- ابراهیم حکیمی ۹- زین‌العابدین رهنما ۱۰- ابوالقاسم اعتصام‌زاده ۱۱- صادق رضازاده ۱۲- سعید نفیسی ۱۳- محمدحسن فروزانفر (بدیع‌الزمان) ۱۴- وحید دستگردی ۱۵- محمدتقی بهار ۱۶- مجتبی مینوی ۱۷- ولی‌الله نصر [۱ - ۲۱۲۴]

فرماندار یا رئیس فرهنگ آن منطقه فعالیت می‌کرد. برخی از دروس آموزشگاههای ویژه آموزگاران و دبیران عبارت بود از: ترجمه حال بزرگان، شرح بزرگترین آثار ملی ایران، آیین سخنوری، اوضاع ایران مقارن سوم اسفند ۱۲۹۹، پیشرفت ایران در عصر پهلوی، ملیت و وحدت ملی، بهداشت، اخلاق، اصول تربیت پیشاهنگی، وظیفه و آرزوی ملی. در پایان هر دوره آموزشی به آموزگاران و دبیرانی که با موفقیت این دوره را طی کرده بودند گواهینامه مخصوص داده می‌شد که در ترفیع و اخذ اضافه حقوق آنان مؤثر بود.^۱ براساس ماده هشتم اساسنامه سازمان پرورش افکار برای کنترل و یکسان کردن افکار و اندیشه‌های دانشجویان دانشگاهها و دانشسرای عالی نیز شورایی تشکیل

۱. سالنامه معارف ایران ۱۳۱۵ - ۱۳۱۷، وزارت فرهنگ، صص ۲۰۱ - ۲۰۲.

شد. رئیس هر دانشکده موظف بود استادان دانشگاه را به رعایت دستورالعملهای خاص سازمان پرورش افکار ملزم کند. در رشته‌هایی چون تاریخ و جغرافیا، ادبیات فارسی، فلسفه و علوم سیاسی و اقتصاد دقت بیشتر مبذول می‌شد. رئیس هر دانشکده در پایان سه ماهه تحصیلی گزارش کامل سخنرانیها و اقدامات انجام شده را به هیئت مرکزی پرورش افکار می‌فرستاد.

کمیسیون کتب کلاسیک وظیفه داشت کتب درسی دبستانها و دبیرستانها را اصلاح کند و «افکار میهن‌دوستی و شاه‌پرستی را در مندرجات آنها بگنجانند»^۱ همچنین باید بهترین نویسنده مطبوعات و بهترین مؤلف را برگزیده و طی مراسم خاصی، که در روز چهارم اردیبهشت ماه هر سال برگزار می‌شد، جوایزی به آنان اهدا کند. رهنما، رئیس کمیسیون کتب درسی و کلاسیک، در نخستین جشن پرورش افکار فعالیت این کمیسیون را چنین بیان کرد:

در سال اخیر تألیف ۲۸ جلد از کتابهای درسی دوره اول متوسطه خاتمه یافته و بقیه در دست تألیف است. شرایطی که در تألیف این کتابها به کار رفته مخصوصاً از این نظر که تحریک حس غرور ملی و کشور دوستی و شاه‌پرستی را در کتابهای تاریخ و جغرافیا و قرائت در نظر داشته و در این کتابها گنجانده شده و این احساسات را دانش‌آموزان تقویت خواهد کرد اهمیت بسیار دارد.^۲

سرپرستی کمیسیون مطبوعات را محمد حجازی (مطبع‌الدوله) برعهده داشت. او ارگان سازمان پرورش افکار، یعنی مجله ایران امروز، را نیز سرپرستی می‌کرد. این مجله در چاپخانه مجلس به چاپ می‌رسید و ادارات و سازمانهای دولتی موظف بودند به‌طور مرتب آن را خریداری کنند. با این حال به دلیل کمبود امکانات مالی انتشار این مجله مرتب نبود و با وقفه منتشر می‌شد. کمیسیون مطبوعات بر شیوه نامه‌نگاری در ادارات و مؤسسات دولتی نیز نظارت می‌کرد و بر استفاده از لغات مصوبه فرهنگستان تأکید بسیار می‌نمود. برای نشر مقالات موردنظر سازمان پرورش افکار و گسترش اهداف این سازمان در مطبوعات کلاسه‌های روزنامه‌نگاری تشکیل شد و عده‌ای از نویسندگان را برای نشر مقالات موردنظر تربیت کردند. تهیه کاغذ مناسب و تجهیزات چاپخانه برای این نشریات یکی دیگر از وظایف کمیسیون مطبوعات بود.

۱. همان مأخذ، ص ۲۰۰.

۲. ایران امروز، سال دوم (۱۳۱۹)، شماره ۳، ص ۱۱.

کمیسیون سخنرانی دستورالعمل و عناوین مورد نظر سازمان پرورش افکار را، که در سخنرانیها باید مورد توجه قرار گیرند، تهیه می‌کرد و در اختیار سخنرانان قرار می‌داد. شعب سازمان پرورش افکار در شهرستانهای مختلف هر ماه گزارش کاملی از فعالیتهای خود را به هیئت مرکزی ارسال می‌کردند. اگر چه سازمان پرورش افکار از وسایلی گوناگون برای اجرای اهداف و مقاصد خود استفاده می‌کرد اما از این میان سخنرانی اهمیت بیشتری داشت. سخنرانان می‌توانستند به راحتی در مدارس، شهرداریها، باشگاهها و دانشگاهها به فعالیت بپردازند. در سال ۱۳۱۸ جمعیاً ۶۶۶۳ جلسه سخنرانی در تهران و شهرستانها اجرا شد؛ که از این میان به‌طور متوسط ماهیانه ۵۵۵ سخنرانی در شهرستانها انجام گرفت. شهرهای سنج، کرمان، زنجان، قم، محلات و استانهای گیلان و خوزستان کمترین تعداد سخنرانی را داشت. عناوین سخنرانیهایی که افراد مختلف در تهران ایراد می‌کردند به وسیله هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار در اختیار شعب شهرستانها قرار می‌گرفت تا سخنرانان شهرستانها محور سخنان خود را بر اساس آن تنظیم کنند.

در صورت لزوم از تهران نیز افرادی برای سخنرانی به شهرهای مختلف اعزام می‌شدند. در فهرستی که دفتر مخصوص شاهنشاهی در سال ۱۳۱۹ تهیه کرده و هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار در اختیار شعب شهرستانها قرار داده است جمعیاً ۱۱۴ عنوان سخنرانی اجتماعی، ۴۷ عنوان آموزشی و پرورشی، ۲۱ عنوان حقوقی، ۱۳ عنوان اخلاقی و ۳۱ عنوان تاریخی و باستان‌شناسی ذکر شده که باید به وسیله شعب شهرستانها نیز عیناً اجرا شود.^۱ در شهرهایی که سخنرانان موفق نمی‌شدند افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند از وسایلی تبلیغی دیگر استفاده می‌شد. طبق نامه‌ای که وزارت کشور به دفتر نخست‌وزیر ارسال کرده، اداره فرهنگ خراسان به هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار گزارش می‌دهد که مجالس سخنرانی مشهد به دلیل نداشتن وسایل، رونق زیادی ندارد و پیشنهاد نموده که برای جلب مردم به سخنرانیها یک دستگاه رادیو خریداری و در تالار سخنرانی نصب گردد.^۲

طبق اساسنامه سازمان پرورش افکار، کمیسیونی به نام کمیسیون موسیقی تشکیل شد تا در راه «اصلاح موسیقی کشور و ترویج موسیقی ملی» اهتمام ورزد. اما در عمل، وظیفه اصلی این کمیسیون تهیه آهنگهای مهیج و «سرودهای میهنی» برای اجرا در مراسم رسمی و دولتی بود.

۱. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری، سازمان پرورش افکار، سال ۱۳۱۹، پاکتهای ۳۲۶۸، ۳۲۵۹، شماره تنظیم ۱۰۸۰۱۱. ۲. همان جا.

سرپرستی این کمیسیون را سرگرد مین‌باشیان برعهده داشت. او ضمن ایجاد کلاسهای مختلف موسیقی در شهرستانها و آموزش موسیقی به جوانان مستعد و علاقه‌مند، برای اجرای آهنگها و سرودهای گوناگون در مجالس سخنرانی، جشنها و مراسم رسمی دسته‌های خواننده کر و ارکستر تربیت می‌نمود.

در مجله ایران امروز، ارگان سازمان پرورش افکار، دربارهٔ فعالیت «ادارهٔ موسیقی» چنین آمده است:

وظایف کلی آن به قرار زیر است: ۱. ساختن و انتشار قطعات موسیقی و سرود و تألیف کتابها طبق اصول و آئین موسیقی جدید و متداول نمودن قطعات کتابها و روشهای موسیقی ادبی و علمی و موسیقی غربی ۲. تأسیس مجله موسیقی و نشر مقالات و تشکیل کنسرتها و نمایش ۳. نظارت در تألیفات و مقالات و قطعات و کتب و نت موسیقی و کنسرتها و نمایشها و سایر اموری که با موسیقی ارتباط دارد. ۴. تنظیم مقررات برای کسانی که به فن موسیقی اشتغال می‌ورزند و صدور پروانه برای آنها که می‌خواهند از این راه امرار معاش کنند.^۱

علاوه بر آن، گروهی از هنرمندان موظف شدند تا موسیقی فولکلوریک ایران را جمع‌آوری کنند و مقالات و کتب لازم را در این زمینه منتشر نمایند. مجله موسیقی از سال ۱۳۱۸ به صورت ماهانه منتشر شد. از آنجا که رضاشاه علاقه‌مند بود از اقدامات مصطفی کمال در ترکیه تقلید کند، ساختمان اپرایی در تهران آغاز شد که به دلیل بروز جنگ جهانی دوم ناتمام ماند و سرانجام ساختمان صدفی شکل این اپرا در اختیار بانک رهنی قرار گرفت.^۲

یکی از مهمترین اقدامات سازمان پرورش افکار تأسیس رادیو بود. برنامه‌های رادیویی در ایران از چهارم اردیبهشت سال ۱۳۱۹ آغاز شد و اولین برنامه از طریق فرستنده‌ای که در بیسیم پهلوی مستقر بود به سمع شنوندگان رسید. از ده سال قبل رادیو آنکارا و رادیو برلین به زبان فارسی برنامه پخش می‌کردند که با استقبال مردم روبرو شده بود. با آغاز جنگ جهانی دوم رادیوهای تبلیغاتی شوروی به کار افتادند و بنگاه خبری بریتانیا BB نیز برنامه‌هایی به زبان فارسی تهیه می‌کرد. انگلیسیها برنامه فارسی رادیو دهلی را نیز در اختیار داشتند. کمیسیون رادیو مأمور شد برنامهٔ جامعی تنظیم کند و به تصویب دولت برساند که براساس آن نطقها، اخبار، موسیقی و برنامه‌های آموزشی از رادیو پخش شود. پیترو آوری می‌نویسد:

۱. ایران امروز، سال دوم (۱۳۱۹)، شماره ۹.

۲. سعدی حسنی. تاریخ موسیقی. تهران: صفی‌علیشاه، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۲.

برنامه‌های اصلی رادیو تهران شامل آموزش و پرورش، امور بهداشتی و فرهنگی و اقتصادی بود که در خط سیاست نظم نوین رضا شاهی تهیه می‌گردید. همچنین سازمانی به نام اداره کل تبلیغات دایر گردید که زیر نظر وزارت فرهنگ به تبلیغات درباره اندیشه‌های نظم نوین رضا شاهی و وطن‌دوستی می‌پرداخت. ستایش و تمجید از شاه عنصر اصلی برنامه‌های این سازمان را تشکیل می‌داد.^۱

از شهریور ماه ۱۳۱۸ یک مرکز انتشار اخبار و مطالب در تهران دایر شد که ۳ دستگاه فرستنده موجهای بلند، متوسط و کوتاه داشت و صدای آن در سراسر کشور شنیده می‌شد. پس از آن در ۱۲ شهر دیگر فرستنده‌هایی با موج متوسط تأسیس شد که برنامه‌های ارسالی از تهران را در منطقه تحت نظر خود پخش می‌نمودند. دستگاه موج متوسط تهران با امواج ۳۳۵ متر به کار پرداخت و ۲ کیلو وات قدرت داشت. با تأسیس رادیو ایران، کمیسیون رادیو در سازمان پرورش افکار موظف گردید در اماکن عمومی، ادارات، خیابانها و مدارس بلندگوهایی نصب کند تا مردم بتوانند از برنامه‌های رادیو استفاده کنند. برنامه‌های رادیو در ابتدا به اعلام خیر، موسیقی و برنامه‌های کوتاه اجتماعی و علمی محدود می‌شد. با اشغال ایران به وسیله متفقین، بخشهایی از برنامه روزانه رادیو به پخش اخبار به زبانهای روسی، فرانسه، آلمانی، انگلیسی و عربی اختصاص یافت. اکثر برنامه‌های اجتماعی و علمی به شکل سخنرانی و گفتار رادیویی بود و برنامه‌های موسیقی را هنرمندان مختلف به صورت زنده اجرا می‌کردند. بدینسان، رادیو نقش مهمی در اجرای هدفهای سازمان پرورش افکار، به‌ویژه در شهرستانها، ایفا می‌کرد.

کمیسیون نمایش: از آنجا که در اساسنامه سازمان پرورش افکار استفاده از نمایش و سینما و موسیقی برای ترویج اهداف دولت وقت توصیه شده بود، در سال ۱۳۱۸ هنرستان رسمی هنرپیشگی تهران دایر گردید. ریاست کمیسیون نمایش و هنرستان هنرپیشگی با سید علی خان نصر بود. وی از مسئولین وزارت دارایی بود. او در آغاز، فن تئاتر را نزد مزین‌الدوله، استاد زبان فرانسه و نقاشی دارالفنون ناصری، آموخت و سپس در اروپا دانش خود را تکمیل کرد و پس از تأسیس سازمان پرورش افکار به ریاست کمیسیون نمایش و سرپرستی هنرستان هنرپیشگی برگزیده شد.^۲

سید علی خان نصر با همکاری دکتر احمد نامدار، فضل‌الله بهرامی و احمد دهقان مدرسه تئاتر را در اردیبهشت ماه ۱۳۱۸ افتتاح کرد. مواد علمی و عملی این مدرسه

۱. پیتز آوری. تاریخ معاصر ایران. ترجمه احمد رفیعی مهرآبادی، تهران: ۱۳۹، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲. ابراهیم صفایی. رضاشاه کبیر و تحولات فرهنگی. ص ۶۹.

منطبق با برنامه رسمی کنسرواتوار پاریس بود. در اولین دوره آموزشی این هنرستان ۶۲ نفر هنرجو پذیرفته شدند که از آن میان چهل نفر مرد و بقیه زن بودند. پس از مدتی دکتر احمد نامدار در برنامه این هنرستان تجدیدنظر کرد و با کوشش فراوان موفق شد امتیازنامه رسمی آن را از وزارت فرهنگ دریافت کند که به موجب آن کلیه فارغ‌التحصیلان این مدرسه دارای گواهینامه دوره کامل متوسطه می‌شدند.^۱ گفتنی است که پیش از تأسیس هنرستان هنرپیشگی، اقداماتی جهت آموزش علمی هنر نمایش در ایران انجام شده بود که به دلیل کمبود امکانات علمی و مالی با شکست روبرو شد. در سالهای ۱۳۱۲ - ۱۳۱۴، به دلیل نظارت شدید دولت و عدم تشویق هنرمندان، کلاسهای تئاتر با رکود شدید مواجه شد و به‌طور کلی از ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۸ در تهران نمایش قابل توجهی اجرا نگردید. از ویژگیهای نمایش در این دوره اجرای تصنیفهای سیاسی بود که در فاصله پرده‌ها و در جلوی پرده نمایش خوانده می‌شد و به نام پیش‌پرده شهرت داشت. هنرآموزان هنرستان هنرپیشگی موظف بودند در نمایشهایی که سازمان پرورش افکار برای ترویج اهداف تبلیغی آن سازمان برگزار می‌کرد شرکت کنند. هنرستان هنرپیشگی هر هفته نمایشهایی در خیابان لاله‌زار، باغ علاءالدوله، برگزار می‌کرد. این نمایشها از ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر هر سه‌شنبه شروع می‌شد و مشیرهمایون، نوازنده مشهور پیانو، با ساز خود در اجرای آنها همکاری می‌کرد. بودجه سازمان پرورش افکار، که به مصرف کمیسیون‌های مختلف می‌رسید، در سال ۱۳۱۹ بالغ بر یک میلیون ریال بود که برای جوایز، مدالها، چاپ و انتشار مجله ایران امروز، اداره مدارس موسیقی و هنرپیشگی، تعمیر و نگهداری سالنهای نمایش باغ فردوس و دارالفنون و تهیه تجهیزات رادیو صرف می‌شد. هر ساله در روز ۴ اردیبهشت ماه جشنی از سوی سازمان پرورش افکار در سراسر کشور برگزار می‌شد و ضمن آن گزارش عملکرد سالیانه سازمان در تهران و شهرستانها ارائه می‌شد و نمایشها و سرودهایی به اجرا در می‌آمد.^۲

در شهریور ماه ۱۳۲۰، با ورود نیروهای نظامی متفقین به ایران، رضاشاه از سلطنت کنار گذاشته شد. در فضای جدید سیاسی، که به شدت علیه دیکتاتوری رضاخان و نهادهای آن برآشفته بود، ابزار گذشته کارایی نداشت. در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی، آن سیاستها با سازمانهای جدید و ابزار متفاوت تداوم یافت.

۱. ابوالقاسم جنتی، «تاریخ تئاتر معاصر ایران»، یغما، سال ششم (۱۳۳۲)، شماره ۷، صص ۲۸۶ - ۲۹۰.
 ۲. اسناد سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری، سازمان پرورش افکار، ۱۳۱۹. پاکت ۳۲۶۸، شماره تنظیم ۱۰۸۰۱۱ و نیز بنگرید به: سالنامه معارف، ۱۳۱۵ - ۱۳۱۷.